علوم قرآن و حدیث

Quran and Hadith Studies

سال ۵۳ ـ شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۷- پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۲۹۳ - ۲۷۱

HomePage: https://jquran.um.ac.ir/

شاپا چاپی ۹۱۲۰-۲۰۰۸

شاپا الکترونیکی ۴۱۹۸-۲۵۳۸

تاریخ دریافت:۱۳۹۹/۰۴/۱۵ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش:۱۳۹۹/۱۲/۱۲

نوع مقاله :پژوهشی

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2021.61859.0

تحلیل کارکرد حلقه مشترک در بازیابی منابع آثار روایی

مطالعه موردی روایات علی بن ابراهیم در *الکافی*

آمنه حدادی

دانش آموخته دکتری دانشگاه تربیت مدرس

دکتر نصرت نیل‌ساز(نویسنده مسئول)

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

Email: Nilsaz@modares.ac.ir

دکتر نهله غروی نائینی

استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمدکاظم رحمتی

استادیار بنیاد دایرة المعارف اسلامی

چکیده

«حلقه‌مشترک» راوی تکرارشونده در سندهای مجموعه‌ای از روایات یک اثر روایی است که شناسایی و تحلیل کارکرد آن در «بازیابی منابع» آن اثر روایی، نقشی مؤثر داشته و در تحلیل سندی می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرد. در این مقاله، ابتدا بر اساس تحلیل کارکرد حلقه مشترک در سلسله اسانید و به کارگیری مؤلفه‌های مؤثر دیگر، الگویی روش‌مند در بازیابی منابع آثار روایی ارائه شده است؛ سپس این الگو در بازیابی منابع روایات «علی‌بن‌-ابراهیم از ابراهیم‌بن‌هاشم از ابن‌ابی‌عمیر از حمادبن‌عثمان از حلبی از امام صادق(ع)» که پرتکرارترین سند الکافی است به کار گرفته شده است. دستاورد این پژوهش، نخست ارائه الگوی یادشده در بازیابی منابع آثار روایی مبتنی بر کارکرد حلقه مشترک و دیگر بازیابی منابع کلینی در پرتکرارترین سند الکافی بر اساس شناسایی کارکرد چهار حلقه مشترک، یعنی علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، ابن ابی عمیر و حماد بن عثمان است.

کلیدواژه‌ها: بازیابی منابع، حلقه مشترک، کلینی، الکافی، علی بن ابراهیم

Quran and Hadith Studies علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/ Vol. 53, No. 1: Issue 106, Autumn & Winter 2021 - 2022, p.271-293

Online ISSN: 2538-4198 Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 04-08-2021 Revise Date: 09-01-2021 Accept Date: 02-03-2021

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2021.61859.0 Article type: Original

Analysis of the Role of a Common Link in identification of the Sources of the Narrative Works; A Case Study of Ali b. Ibrahim's Narrations in al-Kafi

Ameneh Hadadi, Ph.D. student, Tarbiat Modares University

Dr. Nosrat Nilsaz (Corresponding Author), Associate Professor, Tarbiat Modares University

Dr. Nehleh Gharavi Naeeni, Professor, Tarbiat Modares University

Dr. Mohammadkazem Rahmati, Assistant Professor, Encyclopedia Islamica Foundation

Abstract

A common link is a narrator whose name is repeated in the isnads of hadiths. It has an effective role in identifying the sources of a narrative work and should be seriously considered in the isnad analysis. So, in this article, first, a systematical model was proposed for identifying the sources of narrative works. This pattern is based on analyzing the role of a common link in isnads and using other effective components. Then it was used in discovering the sources of the narratives of "Ali ibn Ibrahim from his father from Muhammad b. Abi Umayr from Hammad b. Uthman from Halabi from Imam Sadiq (AS)"; this is one of the most repetitive Isnads in al-Kafi. The results of this study are first, the development of the mentioned pattern based on the common links for finding the sources of narrative works, and second, identification of the sources of Koleyni in a repetitive isnad of the al-Kafi traditions by using its four common links, namely Ali b. Ibrahim, Ibrahim b. Hashim, Ibn Abi Umayr, and Hammad b. Uthman and analyzing their roles.

Keywords: Discovering the sources, Common link, Koleyni, al-Kafi, Ali b. Ibrahim

مقدمه

مسلمانان همواره به حدیث، به مثابه منبعی مهم برای کسب انواع معارف دینی در حوزه‌های مختلف و آگاهی از تشریع احکام و اوامر و نواهی الهی توجه داشته‌اند. در مقابل، رویکرد خاورشناسان اگر نگوییم تنها، دست‌کم به طور عمده، تاریخی بوده است. از این رو، آنها حدیث را به عنوان منبعی برای کسب آگاهی از تاریخ چگونگی پیدایش، تکوین و بالندگی دین اسلام، جوامع اسلامی نخستین، علوم و تمدن اسلامی در ابعاد مختلف به کار گرفته‌اند. در نگاه تاریخی بی‌شک مهم‌ترین اهتمام، استفاده از منبعی است که کم‌ترین فاصله زمانی و مکانی با واقعه یا جریان مورد نظر را داشته باشد.(رک :نیل‌ساز، خاورشناسان، ۱۵) به همین دلیل است که غربیان، ضمن تلاش برای یافتن شواهد باستان‌شناختی مانند پاپیروس‌ها، کتیبه‌ها، سکه‌ها و دیگر اشیاء، کوششی جدی برای شناسایی نسخه‌های خطی اسلامی عربی و چاپ و انتشار آنها را آغاز کردند.(نک: Abbott) در کنار همهٔ این فعالیت‌ها، با تأمل بر این حقیقت که هر مؤلفی قطعاً در تدوین و تألیف اثرش از منابع پیشین بهره برده است، اندک اندک ایده بازیابی منابع آثار موجود، از سده‌های نخستین، در اذهان شکل گرفت و به دغدغه‌ای جدی تبدیل شد.

نخستین بار اشپرنگر[1] در اواسط قرن نوزدهم میلادی، به منابع سیره ابن‌اسحاق(د ١٤٤- ١٥٣ق) و المغازی واقدی(د ۲۰۷ یا ۲۰۹ ق.) اشاره کرد؛ اما با وجود شواهدی از توجه او و هوروویتس[2] به منابع آثار متأخرتر، هیچ‌کدام تلاش جدی و روشمندی در این حوزه نداشتند. برخلاف این دو، ولهاوزن[3] با گزینش دو منبع مناسب، التاریخ طبری(٢٢٤- ۳۱۰ ق) و فتوح‌البدان بلاذری(د ۲۷۸- ۲۷۹ ق)، که هر گزارش را با یک سند آورده‌اند، به این عرصه وارد شد و ابومخنف(د ۱۵۷ ق)، ابن اسحاق، واقدی، مدائنی(١٣٥- ٢٢٤ ق) و سیف بن عمر(د حدود ۱۸۰ ق) را به عنوان منابع اصلی طبری معرفی کرد. در نیمهٔ قرن بیستم، هریبرت هورست[4]، اسناد روایات تفسیر طبری را بررسی و برخی منابع آن را شناسایی کرد. پژوهش گسترده هارالد موتسکی[5] بر المصنف عبدالرزاق صنعانی(١٢٦- ۲۱۱ ق)، مطالعات ورکمستر[6] بر العقد الفرید ابن‌عبدربه(٢٤٦- ۳۲۸ ق) و اشارات پدرسن[7] نیز از مطالعاتی است که در این حوزه صورت

1 .Aloys Sprenger (1813-1893)

2 . Josef Horovits (1874-1931)

3 . Julius Wellhausen (1844-1918)

4. Heribert Horst (1925-2012)

5. Harald Motzki (1948-)

6. W.H. Werkmeiter (1901-1993)

7. Pedersen, Johannes (1883-1977)

گرفته است.(نک: نیل‌ساز، خاورشناسان و ابن‌عباس، ۱۰۱؛ همان، ۱۱۲- ۱۱٤؛ همو، «تبیین و ارزیابی نظریه سزگین دربارهٔ شناسایی و بازسازی منابع جوامع روایی»، ۳۲۹) علاوه بر این باید از تلاش‌های بلاشر[1] در تاریخ ادبیات عرب، زولوندک[2] و فلایش‌همر[3] که در دو پژوهش مستقل به شناسایی منابع ابوالفرج اصفهانی در الاغانی پرداختند، یاد کرد.(سزگین، محاضرات، ۱۵۳)

توجه مسلمانان به امر بازیابی منابع، تا حدود زیادی متأثر از تردیدهایی است که خاورشناسان در وثاقت منابع روایی ایجاد کردند. یکی از دلایل خاورشناسان برای این تردیدها، طولانی شدن دوران نقل شفاهی است. از این‌رو برخی از پژوهشگران مسلمان، ضمن تأکید بر کتابت حدیث از همان عصر نخست، به شناسایی منابع آثار به جا مانده از سده‌های نخستین و ارائه روش‌هایی برای این مهم، توجه ویژه‌ای مبذول داشتند. در این میان نقش سزگین، به دو دلیل، نخست ارائه نظریه نقل مکتوب(مکتوب بودن همه منابع آثار روایی) و دیگر، به دلیل ارائهٔ روشی نظام‌مند در بازیابی منابع آثار روایی، بسیار برجسته بوده و مورد توجه قرار گرفته است.(نک: نیل‌ساز، «تبیین و ارزیابی»، ۳۲۲- ۳۲۷) فؤاد سزگین[4]، حدود شصت سال پیش، ضمن روش خود در بازیابی منابع آثار روایی، شیوه‌ای مبتنی بر تحلیل سندی و با تأکید بر نقش حلقه مشترک[5] ارائه کرد[6] و آن شیوه را برای شناسایی منابع برخی از آثار روایی اهل‌سنت مانند صحیحین و تاریخ و تفسیرطبری به کار بست.(سزگین، همان، ۱۵۲) پس از وی اورسلا سزگین[7]، در ابومخنف: سهم او در تاریخ‌نگاری بنی‌امیه از این روش استفاده کرده است.(نک: Tassaron, 46) بلامی[8] نیز در «منابع کتاب مقتل امیرالمؤمنین ابن ابی الدنیا»، به بررسی اسانید کتاب ابن ابی الدنیا بر اساس روش سزگین پرداخته است.(بلامی، مصادر کتاب مقتل امیرالمؤمنین، ۱۰۵) نیل‌ساز در مقالهٔ «تبیین و ارزیابی نظریه سزگین دربارهٔ شناسایی و بازسازی منابع جوامع روایی»، نظریهٔ‌سزگین دربارهٔ نقل مکتوب و روش وی را تحلیل، نقد و ارزیابی کرده است. نیل‌ساز و رجایی‌فرد، در مقاله «کارکرد دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی در تکمیل روش سزگین در بازیابی منابع آثار کهن روایی؛ مطالعه موردی کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی»، از اطلاعات موجود در دو فهرست شیعی برای تکمیل روش سزگین استفاده و سپس منابع کتاب

1. Regis Blacher (1900-1973)
2. Leon. Zolondek (1925-2007)
3. M. Fleischhammer (1877-?)
4. Fuat Sezgin (1924- 2018)
5. common link

٦. سزگین برای اولین بار این روش را در رساله دکتری خود برای بازیابی منابع صحیح بخاری به کار گرفت. این رساله در سال ۱۹۵٦ به زبان ترکی استانبولی با عنوان «Buhari'nin Kaynaklari» منتشر شد.

7. Ursula sezgin (1965-2018)
8. James A. Bellamy (1925-2015)

الزهد را بر مبنای آن شناسایی کرده‌اند.

اولین مقاله در حوزهٔ بازیابی منابع در ایران در حدود سه دهه پیش به قلم سید محمدجواد شبیری دربارهٔ الغیبة نعمانی نگاشته شد[1]. مؤلفه‌های وی در این مقاله[2] در بازیابی منابع، غالباً مبتنی بر تحلیل سندی است، اما به مؤلفه‌های متنی نیز توجه داشته است(نک: حدادی و دیگران، تحلیل انتقادی روش سید محمدجواد شبیری) وی در یکی از مؤلفه‌ها، پدیده‌ای شبیه به حلقه مشترک در اسانید را مطرح کرده، اما از اصطلاح حلقه مشترک استفاده نکرده و به حالت‌های پیچیدهٔ آن که به کارکردهای متفاوت منجر می‌شود، اشاره‌ای نکرده است.(نک: شبیری، منابع نعمانی در غیبت، ۴۰۰-۴۰۱) مقالات دیگری که در حوزهٔ بازیابی منابع تاکنون نگاشته شده‌اند، هر کدام که رویکرد روشمند داشته‌اند، با تصریح یا بدون تصریح از روش شبیری یا از روشی که مدرسی طباطبایی در مقدمه کتاب میراث مکتوب شیعه[3] مطرح کرده است، استفاده کرده‌اند.

در مقالهٔ پیش‌رو، ضمن توجه به مطالعات پیشین و نقدهای وارد بر آنها، ابتدا الگویی روشمند در بازیابی منابع آثار روایی ارائه شده است؛ سپس این الگو، در دسته‌ای از اسانید پرتکرار الکافی(علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان از حلبی از امام صادق(ع)) به کارگرفته شده، حلقه‌های مشترک مشخص و کارکرد آنها مورد تحلیل قرار گرفته است. از نتیجه این بررسی، برخی از منابع کلینی در الکافی شناسایی شده‌اند.

بخش اول: الگوی بازیابی منابع آثار روایی با تأکید بر کارکرد حلقه مشترک

در این بخش الگویی در بازیابی منابع آثار روایی ارائه خواهد شد که گام‌های ابتدایی آن در راستای شناسایی حلقه‌های مشترک در سلسله اسانید یک اثر روایی است و گام‌های بعدی، همه به نوعی با کارکرد حلقه مشترک پیوند دارند.

---

۱۱. مقاله «الکاتب النعمانی و کتابه الغیبة» اولین مقاله وی در بازیابی منابع است. این مقاله به شکل مبسوط‌تر و به زبان فارسی با عنوان «منابع نعمانی در غیبت» در کتاب بازسازی متون کهن حدیث شیعه به چاپ رسید.

۲. در این مقاله به مؤلفه‌هایی چون وجود نام مؤلفان کتب در سلسله سند حدیث و هماهنگی موضوع روایت با موضوع کتاب یا کتاب‌های مؤلف، تمایز میان قسمت‌های مختلف سند، یافتن اسامی مبهم، تحویل در سند یا اضمار به شکلی خاص، تکرار بخش آغازین سند در روایات پی‌درپی و یا تعلیق سند و نیز پراکندگی در سند توجه شده است.

۳. بررسی مطابقت سند روایت با طریق معرفی‌شده برای یک کتاب در فهرست‌ها، تشخیص راوی اعلا با مراجعه به فهرست‌ها و توجه به تکرار بخش متأخر سند تا راوی مشترک از مؤلفه‌های روش وی است.(مدرسی طباطبایی، ۱۵-۱۶)

گام اول: استخراج و دسته‌بندی اسانید

در بازیابی منابع آثار روایی بر مبنای تحلیل کارکرد حلقه مشترک در سلسله اسانید، در گام اول، می‌بایست همه اسانید کتاب مورد نظر استخراج شده و براساس نام متأخرترین راوی مرتب شوند؛ سپس روایات هر یک از این متأخرترین افراد، تا انتهای اسانید، دنبال شده و از دیگر سندها تفکیک شوند. به عنوان مثال در بررسی اسانید الکافی، همه روایات مشایخ مستقیم کلینی شامل همه روایات علی بن ابراهیم، همه روایات محمد بن یحیی العطار، همه روایات علی بن محمد علان و دیگران، استخراج شده، روایات هر کدام از مشایخ، از دیگری جدا و همه روایات هر کدام از مشایخ در کنار یک‌دیگر قرار گیرد. بهتر است نمودار اسانید رسم شود تا نقاط پراکندگی به وضوح مشخص شود. نکاتی که در اجرای این گام باید مورد توجه قرار گیرند عبارتند از:

۱. سندها باید از مؤلف کتاب(در نمونه این تحقیق از کلینی) آغاز شده باشند. در اغلب آثار حدیثی از جمله الکافی برای رعایت اختصار و کاهش حجم کتاب و گاه دلایل دیگر، سندهایی که بخش ابتدایی آنها مشابه است، به صورت تعلیق، با تعابیری مانند «عنه» یا «بهذا الاسناد» و گاه بدون هیچ نشانه ذکر شده‌اند[۱]. در این اسانید باید قسمت حذف شدهٔ ابتدای سند، جاگذاری و به شکل غیرتعلیقی تبدیل شود. از این رو شناسایی مشایخ مستقیم مؤلف کتاب، برای تشخیص افراد حذف شده از ابتدای سند، اهمیت زیادی دارد.

۲. در بسیاری از اسانید، در روایات دارای متن مشترک و سلسله راویان متفاوت، شیوه تحویل[۲] در سند، به کار گرفته شده است. در تحلیل سندی بر اساس کارکرد حلقه‌های مشترک، سندهای تحویلی می‌بایست از یک‌دیگر تفکیک شده و به صورت سندهای ساده درآید.

۳. سندها باید بر اساس طبقه راویان کنترل شوند تا از امکان نقل هر راوی از راوی دیگر اطمینان حاصل شده و مواردی مانند حذف یک یا چند راوی، ارسال و رفع سند کشف شود.

٤. از آن‌جا که نسبت به شخصیت هر راوی در سند باید اطمینان وجود داشته باشد، لازم است ابتدا شخصیت شناسی دقیق افراد سلسله سند صورت گیرد تا موارد تصحیف، اشتراک در نام‌های راویان، القاب و عناوین دیگر افراد، عناوین مبهم و مواردی از این دست با مراجعه به منابع رجالی روشن شود.(برای نمونه نک: نیل‌ساز و رجایی‌فرد، ١٤٥؛ سرخه‌ای، «کتاب حلبی»، ٣٥-٣٧)

---

۱. برای نمونه نک: کلینی، ۱۱/۱؛ ۱۹۷/۲؛ ۳۸۳/۸؛ ٥٩/٥؛ ٢٤٢/٧.

۲ .در برخی اسناد، عطف تعدادی از راویان به تعدادی دیگر وجود دارد. عطف در روایات به دو نوع اصلی قابل تقسیم است؛ عطف عادی و عطف غیرعادی. عطف غیرعادی که آن را تحویل یا حیلوله نیز نامیده اند، عطف دو راوی از یک طبقه به دو راوی مانند آنهاست.(شبیری زنجانی، توضیح الاسناد المشکلة، ۱/ ۲۰)

گام دوم: تعیین حلقه‌های مشترک

تعیین حلقه‌های مشترک در سلسله اسانید یک کتاب، از مرتب کردن سندها و کنار یک‌دیگر قراردادن مواردی که ابتدای مشترک دارند آغاز می‌شود. هرگاه اولین فرد پس از مؤلّف در سلسله سندهای کتاب، روایات خود را از افراد مختلفی دریافت کرده باشد، یا به عبارت دیگر مشایخ متعدد داشته باشد، آن فرد نخستین حلقه مشترک آن سلسله است. بررسی نام‌های تکرارشونده باید در همه شاخه‌های منشعب تا انتهای سندها ادامه یابد.

گام سوم: شناسایی حلقه‌های مشترک صاحب تألیف

از آن‌جا که هدف در بازیابی منابع، یافتن منابع مکتوب یک اثر است، حلقه‌های مشترکی در دایره بررسی قرار می‌گیرند که از آنها آثاری ذکر شده باشد. فهرست‌نگاشته‌ها از عمده‌ترین منابع در شناسایی مؤلفان هستند؛ اما باید توجه داشت که از سویی این منابع شامل نام همه مؤلفان نیستند و از سوی دیگر در بسیاری از موارد، نام تنها برخی از آثار مؤلفان در آنها ذکر شده است. منابع رجالی نیز گرچه تنها به معرفی صاحبان آثار روایی اختصاص ندارند، اما در شرح احوال رجال، به صاحب تألیف‌بودن آنان و گاه نام کتاب‌هایشان اشاره کرده‌اند. اطلاعات حاصل از مشیخه‌ها نیز گاه در این باره مفید است.

گام چهارم: بررسی کارکرد حلقه‌های مشترک صاحب تألیف

هر یک از حلقه‌های مشترک مختلف موجود در سلسله اسانید یک اثر روایی ممکن است نقش‌های مختلفی داشته باشند:

۱. منبع: حلقه‌های مشترک سلسله اسانید یک کتاب، منابع آن کتاب هستند.(سزگین، تاریخ نگارش‌ها،۱۲۱؛ همو، محاضرات، ۱۵۲)

۲. راوی اثر متقدم[۱]: برخی از حلقه‌های مشترک تنها راوی آثار افراد متقدم‌تر از خود در آن سلسله برای مؤلف کتاب هستند؛ به عبارت دیگر، آن حلقه مشترک در طریق کتابی که منبع مؤلف است قرار دارد.(نک: نیل‌ساز و رجایی‌فرد، ۱۵۰-۱۵۱)

۳. منبعِ منبع: حلقه مشترک به طور مستقیم منبع مؤلف نیست و روایات او در آثار حلقه‌های مشترک متأخرتر راه پیدا کرده و به مؤلف کتاب رسیده است؛ به عبارت دیگر، حلقه مشترک، منبعِ منبع است.(نک:

۱. اصطلاح راوی در این پژوهش، به معنای فردی است که در سلسله سند، تنها واسطه نقل کتاب از استاد خود برای شاگردانش است. اطلاعات مربوط به این فرد عمدتاً از کتاب‌های فهرستی و برخی از مشیخه‌ها به دست می‌آید. باید توجه داشت که آثار فهرستی با کتب اجازه متفاوت هستند. کتب اجازه آثاری هستند که در آن فهرست کتابهایی که مؤلف، اجازه نقل آنها را داشته و آنها را نقل می‌کرده است آمده است. اجازه کار فهرست را انجام می‌داده اما برای مخاطب معین. در اجازه لازم نبوده است که حتماً کتاب‌ها را نزد استاد سماع یا قرائت کرده باشند.(نک: مددی در: عمادی حائری، بازسازی، ۱۱٤)

همان، ١٤٤-١٤٥)

گام پنجم: اطمینان از انتساب و عنوان کتاب

آثار کهن به دلیل عواملی مانند مفقودشدن بخشی از آنها به ویژه بخش نخستین که می‌تواند شامل مقدمه و اطلاعاتی درباره کتاب و نویسنده باشد، شیوهٔ قدما در قرارندادن صفحه عنوان و مشخصات کتاب، عناوین مشابه با آثار دیگران، «عدم امکان مرزبندی دقیق میان راویان و مؤلفان در سده‌های نخست»(نیل‌ساز، تبیین و ارزیابی، ٣٣٦)، اشتباه شدن نام راوی و نویسنده به استناد شروع سندها با نام راوی(نک: شبیری زنجانی، نوادر، ۲۳)، اختلاف در ذکر نام آثار در منابع مختلف و مواردی از این دست، با ابهام‌هایی در انتساب کتاب یا عنوان مواجه هستند. در فرآیند بازیابی منابع باید موارد مبهم، مطالعه و بررسی شده و برطرف شود.

گام ششم: مقابله متون

یکی از روش‌های یافتن نسبت دو اثر، مقابله آنهاست؛ به شرط آن که هر دو اثر موجود باشند.(برای نمونه نک: عمادی حائری، پاره‌هایی از فوائد، ١٤١) مقابله متون حدیثی، ممکن است به دلیل تقطیع حدیث، تفاوت نسخه‌ها، افتادگی‌های احتمالی در سند و متن، تصحیف ها و مواردی مانند آن با پیچیدگی‌هایی همراه باشد. توجه به ویژگی‌های نگارش هر مؤلف مانند نحوه نام بردن از عناوین و القاب و ذکر اشارات تاریخی، می‌تواند در داوری نهایی نسبت به وجود ارتباط میان دو اثر مؤثر واقع شود. در بازیابی متون کهن، به دلیل از میان رفتن اغلب منابع اولیه، امکان مقابله متون کمتر است.

گام هفتم: مقایسهٔ طرق آثار با سندهای کتاب موردنظر

یکی از ویژگی‌های منابع شیعی اعم از فهرست‌ها و مشیخه‌ها، بیان طریق دسترسی به کتاب‌هاست. طریق یک اثر، معرف راویان آن اثر است. برای روشن‌تر شدن مطلب، سلسلهٔ فرضی «الف - ب - پ- ت - ث» را در نظر بگیرید. در این سلسله فرضی، فرد الف(مثلاً کلینی)، مؤلف کتابی است که بازیابی منابع آن صورت می گیرد. فرض می‌کنیم افراد ب، پ، ت و ث، حلقهٔ مشترک و مؤلف بوده‌اند و از این رو شرایط اولیه منبع بودن را دارا هستند(چنان‌که همه افراد موجود در مجموعه اسانید بررسی شده در این مقاله چنین‌اند. نک: ادامهٔ‌مقاله) در این مرحله باید به جست‌وجوی طرق کتاب‌های فرد ب، پ، ت و ث در منابع فهرستی و مشیخه‌ها پرداخت.

بر اساس اطلاعات حاصل، فرض‌های ذیل شکل می‌گیرد: ۱. تمام افراد الف، ب، پ، ت، در طریق کتاب فرد ث باشند. در این صورت افراد الف، ب، پ و ت، راوی کتاب فرد ث هستند و کتاب فرد ث، منبع فرد الف(مثلاً کلینی) است؛ ۲. تنها بخشی از سلسلهٔ مورد نظر(مثلاً تنها پ و ت) مطابق با طریق

کتاب فرد ث باشد. در این صورت راوی بودن افراد پ و ت بر اساس طریق ذکرشـده محـرز می‌شـود. ایـن طریق، اطلاعاتی درباره دسترسی فرد الف به کتاب فرد ث در اختیار قرار نمی‌دهد؛ هرچند که به طور قطع، نافی دسترسی او نیز نیست(نک: ادامه مقاله)؛ ۳. طریقی در منابع فهرستی و مشیخه‌ها به کتاب فرد ث ذکر نشده باشد. در این وضعیت، گرچه اطلاعاتی در زمینه دسترسی افراد سلسله سند بـه کتـاب مـورد نظـر بـه دست نمی‌آید، اما احتمال دسترسی هیچ‌کدام از افراد نیز نفی نمی‌شود؛ زیرا فهرست‌نگاران، تنها برخـی از طرق خود به آثار را در منابع فهرستی گزارش کرده‌اند. گذشته از تصریح نجاشـی(نک: ۱۲٦، ش ۳۲۸)، از تفاوت در برخی طرق شیخ طوسی در فهرست با مشیخه تهذیب الاحکام و الاستبصار(بـرای نمونـه نـک: فهرست، ۱۲۳، ش١٦٤ و تهذیب، ۱۰/ ٥٦) می‌توان دریافت که شیخ طوسی نیز، تنها برخی از طرق خـود را در فهرست ذکر کرده است. تاکنون در پژوهش‌های متعدد به مؤلفه طریق در بازیـابی منـابع آثـار روایـی توجه شده است[1].

گام هشتم: بررسی موضوعی/آماری

مؤلفه دیگری که می‌تواند در شناسایی کارکرد حلقه مشترک مؤثر باشد، عنوان یا موضوع آثـار آن حلقـه مشترک با عنوان یا محتوای کتاب مورد بررسی اسـت.(برای نمونـه نـک: شـبیری زنجـانی، همـان، ۳۸٤-۳۸۸؛ نیل‌ساز و رجایی‌فرد، همان، ۱٤۱-۱٤۲) باید توجه کرد که در بازیـابی منـابع کتاب‌هـای جـامع کـه دربردارندۀ موضوعات مختلف هستند _ و الکافی از آن دسته است_ برخلاف تک نگاشته‌ها که به موضوع واحد اختصاص دارند، تطبیق موضوعی، باید با واحدهای کوچک‌تری از کتاب صورت گیرد. علاوه بر این، شمارگان روایات شامل نام‌های حلقه‌های مشترک در یک اثر و مقایسه آن بـا شـمارگان روایـات حلقـه‌های مشترک متأخر و متقدم، می‌توان قرینه‌هایی در منبع بودن حلقه‌های مشترک ارائه دهد.

گام نهم: بررسی شواهد فرعی

در کنار شواهد مهم و اصلی در تحلیل کارکرد حلقه مشترک در سلسله اسانید -که پـیش از ایـن اشـاره شد- شواهدی فرعی نیز وجود دارند که از منابع مختلف قابل استخراج بوده و می‌توانند در شناسایی کارکرد حلقه مشترک مؤثر باشند. برخی از این شواهد عبارتند از:

۱. وجود نسبت استاد و شاگردی میان حلقه مشترک صاحب کتاب و مؤلّف اثر مورد بازیابی، به ویژه در مواردی که نام حلقه مشترک در سلسله اسانید کتاب، فراوان تکرار شده باشد، می‌تواند بر دسترسی شاگرد به

---

۱. برای نمونه نک: مددی، ۱۲۷- ۱۲۸؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳؛ شبیری زنجانی، «منابع نعمانی در غیبت»، ۳۸٤؛ عمادی حائری، پاره‌هایی از فوائد، ۱٤۱؛ مفید بجنوردی، ۷۹؛ معرفت و غفوری‌نژاد، ۱۸؛ حمادی و حسینی، ۱۸٦-۱۸۷، جدیدی‌نژاد، ۱۹-۲۰.

آثار استاد و منبع بودن آثار او برای مؤلف دلالت داشته باشد.

۲. اعتبار و وثاقت صاحبان آثار؛ به طوری‌که حتی اگر عوامل تضعیف کننده‌ای در اثر یک مؤلف وجود داشته، به دلیل وثوق و اعتبار مؤلف، مورد توجه قرار گرفته است. توجه به مراسیل ابن ابی عمیر از جمله این موارد است.(نجاشی، ٦٢٦، ش٨٨٧)

۳. اعتماد به کتاب، فارغ از اعتبار و وثاقت مؤلف؛ افرادی را در فهرست‌ها می‌توان یافت که به شدت تضعیف شده‌اند، اما آثار آنها مورد اعتماد و مراجعه بوده است. از جمله این افراد می‌توان به طلحة بن زید(طوسی، فهرست، ٢٥٦، ش٣٧٢) و علی‌بن الحسن الطاطری(همو،٢٧٢، ش٣٩١) اشاره کرد.

٤. یافتن قرائنی دال بر وجود یک کتاب معتبر در منطقه جغرافیایی و زمان نگارش یک اثر(برای نمونه نک: مفید بجنوردی، ٨٠)

٥. وجود طرق مختلف در منابع فهرستی برای یک کتاب و اشاره به نقل کتاب توسط جماعتی بسیار که نشان دهندهٔ شهرت و رواج یک اثر است.(برای نمونه نک: طوسی، همان، ٤٠٤، ش ٦١٨)

٦. تعلق دو اثر به حوزه حدیثی مشترک، به دلیل احتمال تشابه دیدگاه‌های مؤلفان و دسترسی بهتر و آسان‌تر به آثار(برای نمونه نک: مفید بجنوردی، ٨٠)



بخش دوم: کاربست الگو در نمونهٔ مورد مطالعه

در این بخش گام‌های تحلیل کارکرد حلقهٔ مشترک در سلسله اسانید روایات به منظور بازیابی منابع، در کتاب الکافی و بر روایات «کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان از حلبی از امام صادق(ع)» اجرا خواهد شد. انتخاب این نمونه از روایات، با معیار بیش‌ترین فراوانی در هر طبقه از مشایخ بوده است. بر این اساس، در هر طبقه، از میان مشایخ متعدد، فردی که بیش‌ترین روایات به او تعلق دارد، به عنوان شاخه نمونه انتخاب شده است.

گام اول: استخراج و دسته‌بندی اسانید

کلینی روایات خود در این کتاب را از حدود ۹۰ نفر[1] از مشایخ حدیث زمان خود دریافت کرده است. در این گام ابتدا اسانید همه روایات الکافی در نظر گرفته شده و سپس تمامی روایات علی بن ابراهیم، با توجه به نکاتی که پیش از این گفته شد، استخراج شده‌اند. در این کتاب، ۵۲۹۵ روایت از علی بن ابراهیم وجود دارد؛ از این تعداد ۴۵۲۱ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش است. روایات علی بن ابراهیم از پدرش از ابن أبی عمیر، ۱۹۳۰ روایت، روایات علی بن ابراهیم از پدرش از ابن أبی عمیر از حماد بن عثمان، ۱۰۳ و روایات علی بن ابراهیم از پدرش از ابی أبی عمیر از حماد بن عثمان از عبیدالله بن علی الحلبی ۵۶ روایت از این کتاب است.

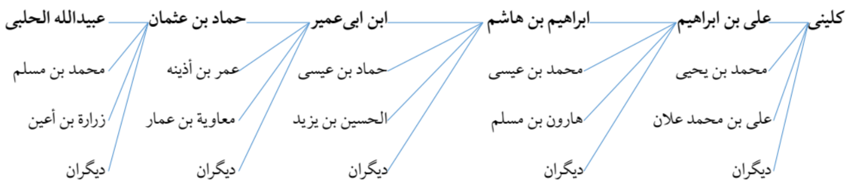
گام دوم: تعیین حلقه‌های مشترک

ابتدا اولین طبقه مشایخ کلینی را پیش رو قرار می‌گیرند. از میان این افراد، آنانی که روایات خود را از مشایخ متعدد(بیش از دو نفر) دریافت کرده‌اند، به عنوان طبقه اول حلقه‌های مشترک مشخص می‌شوند. پرتکرارترین حلقه‌های مشترک این طبقه عبارتند از: علی بن ابراهیم بن هاشم، محمد بن یحیی العطار و عده کلینی. در این پژوهش از میان مشایخ مستقیم کلینی، علی بن ابراهیم انتخاب شده است. برای یافتن طبقه دوم حلقه‌های مشترک، به سراغ مشایخ علی بن ابراهیم رفته(برای اطلاع بیشتر نک: مفید بجنوردی، ۱۸۷-۲۵۶) و با معیار تعدد مشایخ، حلقه‌های مشترک را مشخص می‌کنیم. مهم‌ترین حلقه‌های مشترک طبقه دوم بر اساس بیش‌ترین میزان فراوانی، ابراهیم بن هاشم و محمد بن عیسی بن عبید هستند. اکثریت قریب به اتفاق روایات علی بن ابراهیم از پدرش نقل شده است(۴۸۲۰ روایت از ۴۸۳۲)؛ از این‌رو، مطالعه را به ابراهیم بن هاشم محدود کرده‌ایم. ابراهیم این روایات را از بیش از صد نفر از مشایخ خود نقل

---

۱. این تعداد با احتساب عنوان‌های جمعی مانند عدة من اصحابنا و عناوینی با دلالت مبهم مانند غیرفلانی است.

کرده است[1]. براساس آمار، ابن ابی عمیر را مهم‌ترین حلقه مشترک طبقه سوم می‌یابیم. از ۴۸۲۰ روایتی که علی بن ابراهیم از پدرش نقل کرده، ۲۲۸۷ روایت را ابراهیم از ابن ابی عمیر نقل کرده است. در میان مشایخ ابن ابی عمیر نیز، بیش‌ترین روایات از حماد بن عثمان نقل شده است. برخلاف ابن ابی عمیر که مشایخ متعدد دارد، از حدود[2] ۴۵۰ روایتی که با سند علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر به حماد می‌رسد، حماد حدود ۴۰۰ روایت را از عبیدالله بن علی الحلبی و بقیه را از چند نفر دیگر نقل کرده است. همین میزان از مشایخ، برای پذیرش نقش حلقه مشترک در مورد وی کافی است. حماد آخرین حلقه مشترک در سلسلهٔ مورد نظر است. حلبی، به دلیل آن‌که از اولین طبقه راویان است، می‌تواند بی آن‌که حلقه مشترک باشد، منبع باشد.



گام سوم: شناسایی حلقه‌های مشترک صاحب تالیف

همهٔ حلقه‌های مشترک این دسته از روایات، صاحب تألیف هستند. آثار آنان در گام تناسب موضوعی/آماری بررسی خواهد شد.

گام چهارم: بررسی کارکرد حلقه‌های مشترک صاحب تألیف

چندین احتمال برای نقش‌های چهار حلقه مشترک شناسایی شده در این سلسله(علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، ابن ابی عمیر و حماد) وجود دارد: ۱. کلینی از آثار استاد خود، علی بن ابراهیم، در نگارش الکافی استفاده کرده باشد(علی بن ابراهیم منبع است)؛ ۲.کلینی روایات خود را از آثار ابراهیم به روایت علی بن ابراهیم گرفته باشد(ابراهیم منبع و علی بن ابراهیم راوی است)؛ ۳. منبع مستقیم کلینی آثار ابن ابی عمیر باشد و علی بن ابراهیم و پدرش راوی آن آثار باشند؛ ٤. کلینی از آثار حماد به روایت علی بن ابراهیم، پدرش و ابن ابی عمیر استفاده کرده باشد(حماد منبع و ابن ابی عمیر، ابراهیم و علی بن ابراهیم راوی باشند)؛ ٥. حلبی منبع مستقیم کلینی در این دسته روایات باشد؛ ٦. کلینی از آثار ابراهیم، ابن ابی عمیر ، حماد و حلبی یا برخی از اینان به طور غیرمستقیم و توسط حلقه مشترک متأخرتر از آنها استفاده

۱. خویی (۱/ ۳۱۷) این تعداد را بیش از ١٦٠ نفر دانسته است.

۲. به دلیل اختلاف میان شمارش دستی و آمار نرم افزار، برای اطمینان بیش‌تر، أعداد گرد شده‌اند.

کرده باشد(ابراهیم، ابن ابی عمیر، حماد و حلبی، منبعِ منبع هستند.)

گام پنجم: اطمینان از انتساب و عنوان کتاب

از میان آثار حلقه‌های مشترک این شاخه، تفسیر قمی منسوب به علی بن ابراهیم موجود است. دربارهٔ انتساب تفسیر قمی موجود به علی بن ابراهیم، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی آن را همان تفسیر علی بن ابراهیم می‌دانند. عده‌ای بر این باورند که ابوالفضل عباس بن محمد علوی، تفسیر موجود را گردآورده و در آن، تفسیر علی بن ابراهیم را با تفسیر ابوالجارود در هم آمیخته است. گروهی نیز آن را به علی بن حاتم قزوینی متعلق می‌دانند.(نک: رحمان ستایش و شهیدی، ۱۱۵) احتمال انتساب این تفسیر به علی بن ابراهیم در گام بعدی بررسی شده است.

گام ششم: مقابلهٔ متون

از آثار حلقه‌های مشترک سلسلهٔ مورد نظر این تحقیق، تنها تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم(تفسیر قمی) موجود است. از مقایسهٔ میان روایات تفسیری الکافی و روایات تفسیر قمی موجود نشان می‌دهد: ۱. روایات تفسیری علی بن ابراهیم در الکافی، ۲۷۹ روایت(اصول ۱۰۱ روایت، فروع ۱٤٤ روایت و روضة ۳٤ روایت) هستند؛ ۲. از مجموع ۲۷۹ روایت تفسیری علی بن ابراهیم در الکافی، ۵۳ مورد اصلاً در تفسیر قمی نیامده است؛ ۳. از ۲۲٦ مورد باقی‌مانده، در بیشتر موارد، ارتباطی میان روایات الکافی و تفسیر قمی دیده نشد؛ ۳. تنها در بیست مورد روایات تفسیری علی بن ابراهیم در الکافی با روایات تفسیر قمی به نحوی مشابهت و همگونی دارد؛ ۵. از بین موارد مشابه، فقط در یک مورد، انطباق سندی وجود دارد. با توجه به آن‌که از میان موارد معدود مشابه، در پنج مورد سلسله سند در تفسیر قمی نیامده، معلوم نیست مستند کلینی، روایات تفسیر قمی موجود باشد و در سایر موارد نیز با توجه به اختلاف در سلسله راویان، احتمال منبع بودن تفسیر قمی برای الکافی را دچار تردید می‌کند.(نک: فتاحی زاده، ۸)

گام هفتم: تطبیق طرق با سند روایات

در فهرست‌ها، طریقی که گویای دسترسی کلینی به آثار علی بن ابراهیم باشد، ذکر نشده است؛ اما شیخ طوسی، در مشیخهٔ تهذیب، طریق خود به آثار علی بن ابراهیم را به واسطه کلینی ذکر کرده است.(طوسی، تهذیب، ۱۰/ ۲۹) صاحبان فهرست‌ها طریقی برای کلینی به آثار ابراهیم بن هاشم ذکر نکرده‌اند. در طرق متعددی که برای آثار ابن ابی عمیر ذکر شده است(نجاشی، همان، ٦۲٦، ش۸۸۷)، کلینی خود حضور ندارد و از برخی طرق، تنها دسترسی علی بن ابراهیم و پدرش به آثار ابن ابی عمیر تأیید می‌شود.(طوسی، فهرست، ٤۰٤، ش ٦۱۸) در فهرست‌ها طریقی به آثار حماد ذکر نشده که کلینی در آن

قرار داشته باشد؛ اما دسترسی ابن ابی عمیر به آثار حماد از طرق موجود در فهرست‌ها و مشیخه‌ها احراز می‌شود.(صدوق، ٤٥٣؛ طوسی، همان‌جا) علی بن ابراهیم و پدرش نیز در طرق ذکرشده در فهرست‌ها به آثار حماد قرار ندارند. بنا بر طرق نجاشی و شیخ طوسی، تنها ابن ابی عمیر و حماد بن عثمان در طریق کتاب حلبی قرار دارند.(نجاشی، ۲۳۱، ٦۱۲؛ طوسی، همان، ۳۰۵، ش٤٦٧)

گام هشتم: بررسی موضوعی-آماری

در بررسی روایات الکافی، باید عنوان یا موضوع بخش‌های سه‌گانهٔ اصول، فروع و روضه، کتاب‌های ۳۵ گانه و باب‌های آن‌ها، با منابع احتمالی مقایسه شوند.

۱. علی بن ابراهیم

الف. در الکافی کتابی با عنوان التوحید[1] وجود دارد که سند حدود ۵۰ روایت از حدود ۲۲۰ روایت آن، با علی بن ابراهیم شروع شده است. علی بن ابراهیم کتابی با عنوان التوحید و الشرک دارد.(نجاشی، ۲٦۰، ش٦۸۰) نخستین احتمال آن است که کلینی از این اثر در کتاب خود استفاده کرده باشد.

ب. علی بن ابراهیم کتابی با عنوان الشرایع دارد.(همان) این عنوان می‌تواند به همهٔ ابواب فقهی ارتباط داشته باشد، اما چنان که دربارهٔ برخی آثار، فهرست نگاران به جامع بودن آنها تأکید کرده‌اند، در هیچ منبعی از این کتاب به عنوان یک جامع فقهی یاد نشده است. از بررسی آثاری که عنوان الشرایع دارند، این نتیجه به دست نمی‌آید که آثاری با این عنوان، جامع فقهی باشند[2]. بنابراین به نظر نمی‌رسد ارتباطی میان روایات این سلسله در قسمت فروع الکافی و کتاب الشرایع علی بن ابراهیم باشد.

پ. علی بن ابراهیم کتاب جوابات المسائل سأله عنها محمدبن‌بلال نیز دارد. کتاب‌های مسائل به منزلهٔ مجموعه استفتائات در زمان ما بوده و غالباً مشتمل بر سؤالات فقهی‌اند.(سرخه‌ای، ۳۲) آنچه کلینی در بخش فروع آورده است، همه در حیطهٔ شرایع می‌گنجد. حدود ٤٤٥۰ روایت از حدود ٥٦۰۰ روایتی که کلینی از علی بن ابراهیم نقل کرده در بخش فروع الکافی است که می‌تواند برگرفته از الشرایع باشد؛ اما در مورد برگرفتن روایت از کتاب جوابات مسائل با توجه به بررسی‌های سندی، این امر منتفی است[3].

ت. ۳۹ روایت از ۹۳ روایت کتاب الحیض الکافی از علی بن ابراهیم است که می‌تواند برگرفته از کتاب الحیض علی بن ابراهیم یا الشرایع وی باشد. این احتمال از آن‌جا که فرد دیگری در این سلسله، کتاب مستقلی در موضوع حیض ندارد، تقویت می‌شود.

---

۱. هر جا نام کتاب به صورت غیرمورب نوشته شده، منظور بخش‌های الکافی است که عنوان کتاب دارد.

۲ . مواردی چند در فهرست‌های نجاشی و طوسی از عنوان الشرایع برای افراد مختلف نام برده است.(نک: نجاشی، ۱۳۲، ۳۳۹؛ ۲٦۱، ٦۸٤؛ ٤۳۱، ۱۱٥۹؛ ۳۸۹، ۱۰٤۹؛ ٤۱٦، ۱۱۱۲؛ ٤۱٦، ش ۱۱۰۱) شواهد نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از این آثار، جامع نبوده‌اند.

۳. از بررسی اسانید الکافی، این نتیجه حاصل شد هیچ سندی در الکافی وجود ندارد که در آن نام علی بن ابراهیم و محمد بن بلال هر دو وجود داشته باشد.

ث. علی بن ابراهیم کتابی با عنوان الناسخ و المنسوخ دارد. در الکافی گرچه کتاب یا بابی مجزا در این موضوع وجود ندارد، اما در کتاب‌های مختلف آن مانند کتاب فضل العلم، روایات مربوط به ناسخ و منسوخ دیده می‌شود[1] که سند برخی با علی بن ابراهیم آغاز شده است. از این رو احتمال دارد بخشی از این روایات از کتاب الناسخ و المنسوخ علی بن ابراهیم باشد.

ج. علی بن ابراهیم کتاب اختیارالقرائات و روایاته دارد. کلینی روایات این موضوع را در کتاب فضل‌القرآن در باب نوادر آورده است. از میان ۲۸ روایت این باب، ٦ روایت از علی بن ابراهیم نقل شده است. احتمال منبع بودن کتاب علی بن ابراهیم در این روایات وجود دارد.

چ. علی بن ابراهیم کتاب التفسیر دارد. کلینی روایات پرشماری را که به‌نحوی با آیات قرآن پیوند دارند(تفسیری، استشهادی و یا در رابطه با علوم قرآنی‌اند)، در باب‌های گوناگون الکافی آورده است. سند شماری از این روایات با نام علی بن ابراهیم آغاز می‌شود[2]، اما به دلیل آن‌که روایات دارای پیوند با آیات غیر از تفاسیر روایی می‌تواند برگرفته از کتاب‌های حوزه‌های گوناگون از جمله فقهی، کلامی، تاریخی و غیره باشد، نمی‌توان همه آن روایات را برگرفته از اثر تفسیری وی دانست؛ زیرا(نک: نیل‌ساز و دیگران، اصول مستفاد، ۱۹٦–۱۹۷) پیش از این گفته شد که در انتساب تفسیر قمی موجود به علی بن ابراهیم، تردید وجود دارد. نتایج حاصل از مقابله الکافی با این کتاب، موارد مشابهت بسیار کمی را نشان داد. بنابراین می‌توان گفت به احتمال زیاد، تفسیر قمی موجود، تفسیر علی بن ابراهیم که در فهرست‌ها بدان اشاره شده، نیست.

ح. علی بن ابراهیم کتاب‌های فضائل امیرالمؤمنین، المناقب و الانبیاء دارد. کلینی روایات این موضوع را به طور عمده در کتاب الحجة گردآورده است. از ۱۰۱۵ روایت کتاب الحجة، حدود ۹۰ روایت به نقل از علی بن ابراهیم است و می‌تواند برگرفته از این سه اثر باشد.

خ. کلینی روایات مربوط به غزوات پیامبر اکرم(ص) را در باب‌های مختلف کتاب‌های الکافی آورده است[3] که سند برخی با علی بن ابراهیم آغاز شده است. علی بن ابراهیم، کتاب المغازی دارد. انتظار می‌رود روایات یادشده در الکافی، از این کتاب گرفته شده باشد.

د. علی بن ابراهیم کتاب رسالة فی معنی هشام و یونس دارد. یونس بن عبدالرحمن، شاگرد هشام بن

۱. ۱/ ٤۳، باب النهی عن القول بغیر علم؛ ۱/ ٦۳، باب اختلاف الحدیث؛ ۱/ ۲۱۳، باب ان الراسخین فی العلم هم الائمه علیهم‌السلام؛ ۲/ ۸۳ و ۸٤، باب العبادة؛ ٥/ ٦۹ و ۷۰، باب دخول الصوفیه علی أبی عبدالله علیه‌السلام؛ ۸/۲۷۰؛ حدیث نوح.

۲. برای نمونه نک: ۱/ ۲۸۹، ح ٤؛ ۱/ ۲۲۹، ح ٦؛ ۲/ ۱۰٥، ح ۷؛ ۲/ ۳۸۹، ح ۱؛ ۲/ ۱۳۰، ح ۱۰؛ ۲/ ٤۳۷، ح ۲؛ ۲/ ٥۱۰، ح ۲؛ ٤/ ۱۸۸، ح۲؛ ۸/ ۳۰٤، ح ٤۷۲؛ ۸/ ۳۲۲، ح ٥۰۳.

۳. به عنوان نمونه نک: ۳/ ٤۱۱، باب المؤلفة قلوبهم؛ ٤/ ۲٥۱ باب حج‌النبی؛ ٤/ ٥٦۱، باب اتیان المشاهد؛ ۸/ ۲۷۸، حدیث نوح؛ ۸/ ۳۲۲، حدیث الفقهاء؛ ۸/ ۳۷۸، خطبة امیرالمؤمنین.

الحکم و جانشین وی در پاسخ‌گویی به مخالفان در مباحث علمی بوده است.(طوسی، تهـذیب، ۱۰/ ٤۸) آثار هشام بن الحکم، اغلب در حوزۀ مباحث کلامی است؛ از این‌رو به احتمال زیاد، این کتاب نیـز شـامل مباحث کلامی است. دست‌کم ۷۳ روایت در الکافی از علی بن ابراهیم وجود دارد که در سند آنهـا، هشـام قرار دارد. این روایات در همۀ کتاب‌های الکافی، به جز روضه پراکنده‌اند. همچنین دسـت‌کم ٤۹۲ روایـت در الکافی از علی بن ابراهیم وجود دارد که سند آن شامل یـونس اسـت. ایـن روایـات در تمـام کتاب‌هـای الکافی پراکنده‌اند. از این رو به نظر می‌رسد به احتمال زیاد کتاب رسالة فـی معنـی هشـام و یـونس، منبـع کلینی در الکافی باشد.

ذ. علی بن ابراهیم کتابی معروف به المشذر دارد که در منابع اطلاعاتی دربارۀ موضوع آن یافت نشد؛ از این رو از دایرۀ بررسی در این گام خارج می‌شوند.

ر. در الکافی روایات فراوانی با سندهای کوتاه وجود دارد. یکی از محققان مجموعـه‌ای شـامل حـدود ۱۷۰ روایت از این دسته روایات در الکافی را جمع‌آوری کرده است.(نک: ترمس عاملی، ثلاثیات الکلینی) سند حدود ۷۵ درصد از این روایات با علی بن ابراهیم آغاز شده است. علی بن ابراهیم خـود کتـاب قـرب الاسناد دارد. فراوانی این دسته روایات به نقل از علی بن ابراهیم در الکافی، احتمال منبع بودن کتـاب قـرب الاسناد را برای الکافی ایجاد می‌کند؛ گرچه همواره این احتمال نیز برقرار است که علـی بـن ابـراهیم، تنهـا راوی این روایات برای کلینی بوده باشد.

۲. ابراهیم بن هاشم

الف. ابراهیم بن هاشم کتابی با عنوان النوادر دارد. تعریف‌های ارائه شـده[۱] از این‌گونـه آثـار گویـای آن است که به موضوع خاصی اختصاص ندارند؛ گرچه مواردی وجود دارند کـه بنـابر عنوان‌شـان شـامل ایـن قاعده نیستند. از جملۀ آن آثـار می‌تـوان بـه النـوادر فی‌الفقـه حسـین‌بن‌عبیدالله الغضائری(نجاشـی، ٦۹، ش١٦٦) و نوادرالحج محمـدبن‌جمهور(همان، ۳۳۷، ش۹۰۱) اشـاره کـرد. کلینـی در الکـافی در اغلـب کتاب‌ها یک باب نوادر یا بیشتر و علاوه بر آن در برخی کتاب‌ها، یک باب نادر یا بیش‌تر و در بسیاری موارد هر دو را دارد؛ اما از آن‌جا که ممکن است معیار کلینی در انتخاب روایات باب‌های نوادر و نـادر بـا معیـار ابراهیم بن هاشم در انتخاب این‌گونه از روایات متفاوت باشد، نمی‌توان در این گام، از وجـود نسـبت میـان این کتاب ابراهیم بن هاشم و الکافی تحلیلی ارائه کرد.

---

۱ . کتاب‌های نوادر نوعی از تألیفات اصحاب در چهار قرن اول است که شامل احادیث غیرمشهور یا احکام غیرمتداول یا استثنائی و یا مستدرکات کتـب دیگـر است(تهرانی، ٢٤/ ۳۱۵)؛ روایاتی که در یک باب جمع نمی‌شده و این مسئله گرچه همیشه به دلیل کمی تعداد نبوده، اما در کل این روایـات بسـیار انـدک بـوده است ؛ احتمال دارد به روایات شاذ، نادر گفته می‌شده و منظور از شاذ این است که آنچه راوی ثقه نقل می‌کند خلاف آن چه اکثریت نقـل کـرده و مشـهور اسـت باشد.(خواجویی، ۳۵)

ب. ابراهیم بن هاشم کتاب قضایا امیرالمؤمنین دارد. کلینی روایات این موضـوع را در بخـش فروع(بـه عنوان نمونه در کتاب المعیشة، کتاب القضاء و الاحکام و کتاب الـدیات) بـه نقـل از علـی بـن ابـراهیم از ابراهیم بن هاشم آورده است[1]. در این موارد احتمال دریافت مستقیم از کتـاب ابـراهیم بـن هاشـم تقویـت می‌شود.

۳. ابن‌ابی‌عمیر

الف. در الکافی -چنان‌که گفته شد- باب‌های متعددی با عنوان نوادر و نادر وجود دارد. ممکن اسـت معیار کلینی برای انتخاب روایت در این باب‌ها با معیار دیگر مؤلفان در به کـاربردن ایـن عنـوان و عنـاوین مشابه، کاملاً متفاوت باشد؛ بنابراین شباهت عنوان کتاب النوادر ابـن ابـی عمیـر و باب‌هـا الکـافی، دلیـل محکم بر گرفته شدن این روایات از کتاب ابن ابی عمیر نمی‌تواند باشد. تنها عاملی که احتمال منبـع بـودن ابن ابی عمیر را تقویت می‌کند آن است که در سند نیمی از روایات این باب‌ها، ابن ابی عمیر قرار دارد.

ب. ابن ابی عمیر کتاب‌های الاستطاعة و الافاعل، الرد عل اهل القدر و الجبر، البداء و التوحید دارد که به موضوع توحید مربوط است. کلینی نیز در الکافی، در بخش اصول خود، کتابی با عنوان التوحید دارد کـه شامل باب‌هایی با عنوان البداء، الاستطاعة، الجبر و القدر و الامر بین الامرین است. از حدود ۲۲۰ روایت این کتاب، سند حدود ۵۰ روایت با علی بن ابراهیم آغاز شده است. حدود ۳۰ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش است و حدود ۱۰ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر نقل شده است. احتمال منبـع بودن ابن ابی عمیر در این روایات وجود دارد.

پ. ابن ابی عمیر کتاب الإمامة و الإحتجاج فی الإمامة دارد. کلینی روایات مربوط به این موضوع را در کتاب الحجة آورده است. از ۱۸٦ روایت کتاب الحجة الکافی حدود ۹۵ روایت از علی‌بن‌ابـراهیم، حـدود ۸۵ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش و حدود ۳۵ روایت از علی بن ابراهیم از پـدرش از ابـن ابـی عمیـر هستند. احتمال زیاد وجود دارد که ابن ابی عمیر دست‌کم در این ۳۵ روایت منبع مستقیم کلینی باشد.

ت. ابن ابی عمیر کتاب یوم و لیلة دارد. کتاب‌های یوم و لیلـة شـامل دعاهـای وارده بـرای روز و شـب هستند. از حدود ٤۱۱ روایت کتاب الدعا الکافی حدود ۱۱٥ روایت از علی بن ابراهیم، حدود همین تعـداد از علی بن ابراهیم از پدرش و حدود ٦٥ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر است. برابـری شمارگان روایات کلینی از علی بن ابراهیم و کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش، گویای آن است که علی بن

۱. برای نمونه نک: ٥/ ۲۱۱، ح۱۲؛۷/ ۲٦٤، ح۲۳؛ ۲۸۱، ح۳؛ ۲۸۹، ح۸؛ ۳۷۱، ح ۸؛ ٤۰۷، ح۳؛ ٤۱۲، ح۱؛ ٤۱۳، ح۳؛ ٤۱۳، ح٤؛ ٤۲۲، ح ٤؛ ٤۲٥، ح۸؛ ٤۲۷، ح۱۰.

ابراهیم خود منبع این روایات نبوده است. علاوه بر این ابراهیم و پسرش، هیچ‌کدام کتاب مستقل دعا ندارند و به احتمال زیاد هر دو حلقه مشترک، راوی اثری متقدم هستند. از این رو می‌توان بـا احتمـال قـوی کتـاب یادشده از ابن ابی عمیر را منبع کلینی در کتاب الدعا شمرد.

ث. ابن ابی عمیر کتاب الحج و فضائل الحج دارد. کلینی در بخش فروع، کتاب الحج دارد. از حـدود ۱٤۹۰ روایت کتاب الحج الکافی، حدود ۵۰۰ روایت از علی‌بن‌ابراهیم، حدود ۳۷۰ روایـت از علـی بـن ابراهیم از پدرش و حدود ۳۳۰ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابـی عمیـر اسـت. ایـن آمـار بـه خوبی احتمال منبع بودن کتاب الحج ابن ابی عمیر را برای الکافی تقویـت می‌کنـد. از آنجـا کـه علـی بـن ابراهیم کتاب الشرایع دارد و با توجه به آمار بالای روایات او در این کتاب از الکافی، به نظر می‌رسـد علـی بن ابراهیم در روایات موضوع حج نیز منبع کلینی بوده است.

ج. ابن ابی عمیر کتاب الصلاة دارد. از حدود ۹۳۵ روایت کتاب الصلاة الکافی، حدود ۱۱۵ روایت از علی‌بن‌ابراهیم، حدود همین میزان از علی بن ابراهیم از پدرش و حدود ٦۵ روایـت از علـی بـن ابـراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر است. این آمار احتمال منبع بودن ابن ابی عمیر را دست‌کم بـرای همـان حـدود ٦۵ روایت، بسیار بالا می‌برد.

چ. ابن ابی عمیر کتاب الصیام دارد. کلینـی در الکـافی کتـابی بـا عنـوان الصـیام دارد. از حـدود ٤۵۵ روایت، حدود ۲۸۰ روایت از علی‌بن‌ابراهیم، حدود ۲۳۰ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش و حدود ۱۱۵ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر است. این آمار، احتمال منبع‌بودن ابن ابی عمیر را برای کلینی بسیار تقویت می‌کند.

ح. ابن ابی عمیر کتاب النکاح، الطلاق و المتعة دارد. از حدود ۵۰۰ روایت کتاب النکاح در الکـافی، سند ۱۳۳ روایت با علی بن ابراهیم آغاز شده است، حـدود ۱۲۵ روایـت از علـی بـن ابـراهیم از پـدرش و حدود ۷۵ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر است. از حدود ٤۹۰ روایـت کتـاب المتعـه الکافی، ۱٤٤ روایت از علی بن ابراهیم، حدود ۱۳۰ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش و حدود ۷۵ روایت از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر اسـت. از ۵۰۱ روایـت کتـاب الطـلاق الکـافی، حـدود ۱٦۰ روایت از علی بن ابراهیم، حدود همین تعداد از علی بن ابراهیم از پدرش و حدود ۹۰ روایت از علـی بـن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر نقل شده است. آثار نام‌برده ابن‌ابی‌عمیر، به ویـژه بـا توجـه بـه آن‌کـه فـرد دیگری در این سلسله، کتاب مستقل در این موضوع ندارد، به احتمال زیاد منبع کلینی بوده است.

٤. حماد بن عثمان

شیخ صدوق از کتاب حماد به عنوان یکی از منابع خود در من‌لایحضره‌الفقیه یاد کـرده است(صـدوق،

٤/ ٤٥٣) و این امر گویای آن است که کتاب حماد، شامل روایات فقهی نیز بوده است. کتاب وی با روایات بخش فروع الکافی، تناسب موضوعی دارد و به این دلیل احتمال دارد منبع مستقیم کلینی باشد.

۵. عبیدالله بن علی الحلبی

از اثر عبیدالله بن علی الحلبی، تنها با عنوان «کتاب» یاد شده است. بنابراین موضوع آن مشخص نیست تا بتواند در این گام، مورد بررسی قرار گیرد.

گام نهم: بررسی شواهد فرعی

۱. علی بن ابراهیم

بیان و تکرار عبارت «حدثنی علی بن ابراهیم» از سوی کلینی در کتاب الکافی[1] که بیانگر شاگردی کلینی نزد علی بن ابراهیم است.(شهیدثانی، ۱/ ۲۳٤) علاوه بر این، علی بن ابراهیم را با صفات «ثقة في الحدیث، ثبت، معتمد و صحیح‌المذهب» مدح کرده‌اند.(نجاشی، ۲٦۰، ش٦۸۰) این میزان از اعتبار برای علی بن ابراهیم و حضور وی و کلینی در حوزه‌های حدیثی قم و ری، احتمال بهره‌گیری مستقیم از کتاب‌های وی توسط کلینی را بسیار تقویت می‌کند. از طرفی تعدّد طرق به کتاب‌های علی بن ابراهیم(همان؛ طوسی، همان، ۲٦٦، ش۳۸۰) در فهرست‌ها نشان‌دهندهٔ شهرت آثار او و اقتباس محدثان از آثار اوست.

۲. ابراهیم بن هاشم

کلینی متعلق به طبقه نهم راویان ائمه(ع) و ابراهیم بن هاشم متعلق به طبقه هفتم است(طباطبایی بروجردی، ترتیب الاسانید الکافی، ۲۵۵، ۲۵۸) است؛ از این‌رو احتمال نسبت مستقیم استاد و شاگردی میان ابراهیم بن هاشم و کلینی منتفی است؛ اما از آن‌جا که بنابر دلالت طرق در فهرست‌ها، علی بن ابراهیم راوی آثار پدرش است و کلینی شاگرد علی بن ابراهیم بوده و همچنین به دلیل حضور در دو حوزه نزدیک یعنی قم و ری، احتمال دسترسی کلینی به آثار ابراهیم تقویت می‌شود. از سوی دیگر آیت‌الله خویی شواهدی را برای اثبات وثاقت ابراهیم بن هاشم ذکر کرده است. وی با استناد به سخن نجاشی و طوسی که ابراهیم اولین کسی بوده است که حدیث کوفیان را در قم منتشر کرده و با اشاره به سخت‌گیری شدید قمیان و اعتماد قمیان به وی، این موارد را دلیلی بر وثاقت او دانسته است. خویی همچنین از ادعای سیدبن طاوس بر اتفاق بر وثاقت ابراهیم خبر داده است. اگرچه وی از میان توثیقات عام تنها توثیق عام علي بن ابراهیم در ابتدای تفسیرش را پذیرفته و در اعتبار سایر موارد مناقشه کرده است؛ اما برای توثیق ابراهیم بن هاشم، به

۱. برای نمونه نک: کلینی، ۱/ ۷۲، ح۱؛ ۳/ ۱، ح۱؛ ۷/ ۱۸۱، ح۱؛ ۷/ ۲۷۱، ح۱؛ ۸/ ۲، ح۱.

قرارداشتن او در زمره دو مورد از توثیقات عام استناد کرده است: یکـی توثیـق علـی بـن ابـراهیم در ابتـدای تفسیرش و دیگری توثیق ابن قولویه در ابتدای کامل الزیارات.(خویی، ۱/ ٤۹)

۳. ابن ابی عمیر

ابن ابی عمیر را با صفات «جلیل‌القـدر، عظیم‌المنزلـة فینـا و عنـد المخـالفین»(نجاشـی، ۳۲٦، ش ۸۸۷)، «أوثق الناس عند الخاصة وَالعامة وَأنسـکهم نسـکاً وَأورعهـم وَأعبـدهم»(طوسـی، همـان، ٤۰٤، ش٦۱۸) و صاحب کتاب‌های فراوان(نجاشی، همان‌جا) توصیف کرده‌انـد. کشـی او را در زمـرۀ اصـحاب اجماع برشمرده است.(٥٥٦، ش۱۰٥۰) این میزان از اعتبار، انگیزۀ بهره‌گیری از آثـار او بـه‌طور مسـتقیم را برای کلینی می‌توانسته به شدت افزایش دهد. علاوه بر این، همان‌طور که گفته شد علی بن ابراهیم و پدرش در طریق آثار ابن ابی عمیر قرار دارند که این نکته احتمال دسترسی کلینی به آثار ابن ابـی عمیـر را افـزایش می‌دهد.

٤. حمادبن عثمان

نجاشی و شیخ‌طوسی هر دو به ثقه بودن حمـاد تصـریح کرده‌اند.(نجاشـی، ۱٤۳، ش۳۷۱؛ طوسـی، همان‌جا، ۱٥٦، ش۲۰) کشی او را در زمره اصحاب اجماع دانسته است.(کشی، ۱/ ۳۷٥، ش ۷۰٥) حماد به حوزۀ حدیثی کوفه تعلق دارد و نجاشی به فراوانی راویان کتاب او با تعبیر «روی عنه جماعة» اشاره کـرده است.(نجاشی، همان‌جا) ذکر طرق قمی از سوی نجاشی و شیخ‌طوسی، عواملی هستند که نشان می‌دهنـد آثار حماد از آثار قابل دسترس در زمان و منطقه جغرافیایی کلینی بوده است.(نجاشی، همان‌جـا؛ طوسـی، همان‌جا)

٥. عبیدالله بن علی الحلبی

نجاشی، همۀ خاندان او را از ثقات دانسته و اثر وی را دارای نسخ مختلف معرفی کرده است.(نجاشی، ۲۳۱، ٦۱۲) شیخ طوسی نیز طرق متعدد بـه کتـاب وی گـزارش کـرده اسـت کـه گویـای شـهرت اثـر وی است.(طوسـی،همان، ۳۰٥، ٦٤۷) گفته‌انـد وی اولـین فـرد در میـان شـیعه اسـت کـه کتـاب نوشـت است.(برقی، ۲۳) علاوه بر این در منابع مختلف از عرضۀ این کتاب به امام صادق(ع) سـخن و تحسـین و تأیید امام سخن به میان آمده است.(نجاشی، همان؛ طوسی، همان) وی به حوزۀ حدیثی کوفه تعلق دارد که از حوزه حدیثی ری دور است.

نتیجه‌گیری

۱. در بخش اول این پژوهش، الگویی روشمند در تحلیل سندی روایت به منظور یـافتن کـارکرد حلقـه

مشترک در سلسله اسانید یک کتاب در قالب نُه گام ارائه شد که عبارتند از: استخراج و دسته‌بندی اسانید؛ تعیین حلقه‌های مشترک؛ شناسایی حلقه‌های مشترک صاحب تألیف؛ بررسی کارکرد حلقه‌های مشترک صاحب تألیف؛ اطمینان از انتساب و عنوان کتاب؛ مقابل متون؛ مقایسهٔ طرق آثار با اسانید روایات؛ بررسی موضوعی-آماری و بررسی شواهد فرعی. ارائهٔ این الگو علاوه بر دستاوردهای خود در یافتن منابع یک اثر روایی، گویای آن است که یافتن منابع یک اثر روایی، به سادگی و تنها به اتکاء وجود یک قرینه یا شواهد ناکافی(چنان‌که در بسیاری پژوهش‌ها دیده می‌شود)، امکان‌پذیر نیست و مجموعه‌ای از شواهد و قراین به‌طور روشمند، باید در کنار یک‌دیگر قرار گرفته، تحلیل، مقایسه و بررسی شوند.

۲. چهار حلقهٔ مشترک علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، ابن ابی عمیر و حماد بن عثمان، در سلسلهٔ موردنظر شناسایی شدند. بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته، علی بن ابراهیم و ابن ابی عمیر با احتمال بسیار زیاد منبع مستقیم کلینی بوده‌اند. روایات حماد بن عثمان و عبیدالله بن علی الحلبی، به احتمال زیاد با واسطهٔ آثار علی بن ابراهیم و ابن ابی عمیر به کلینی رسیده است.(منبعِ منبع بوده‌اند) احتمال منبع بودن ابراهیم بن هاشم ضعیف است.

منابع

آقایی، سیدعلی، «پدیده حلقه مشترک در سندهای روایات؛ تبیین و تحلیل»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۷، ۱۳۸۹، صص ۲۵-۵۲.

بلامی، جیمز ای.، «مصادر کتاب مقتل امیرالمؤمنین علی(ع) تألیف ابن‌ابی‌الدنیا»، ترجمه محمد منیب، سخن تاریخ، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۰۱-۱۴۰.

ترمس عاملی، امین، ثلاثیات الکلینی و قرب الاسناد، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۵ش.

تهرانی، آقابزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، دارالاضواء، بیروت، ۱٤۰۳ق.

جدیدی نژاد، محمدرضا، «روش دستیابی به منابع الکافی»، آینه پژوهش، شماره ۱۲۳، ۱۳۸۹، صص۱٦-۲۰.

حدادی، آمنه و دیگران، «تحلیل انتقادی روش سید محمدجواد شبیری در بازیابی منابع آثار روایی»، مطالعات فهم حدیث، در دست انتشار.

حمادی، عبدالرضا و سیدعلیرضا حسینی، «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی»، حدیث پژوهی، شماره ششم، سال یازدهم، ۱۳۹۳، صص ۱۸۱-۲۰٦.

خواجویی، اسماعیل بن محمدحسین، الفوائد الرجالیة، تحقیق مهدی رجایی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱٤۱۳ق.

خوشدونی، مهدی و سیدمحمد موسوی مقدم، «تحلیلی بر احادیث قرآن‌شناسی کلینی در اصول الکافی»، مطالعات

قرآن و حدیث سفینه، ش ٦١، ١٣٩٧، صص ٢٣-٤٦.

خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ١٤١٠ق.

رحمان ستایش، محمدکاظم؛ شهیدی، روح‌الله، «بازیابی منابع تفسیر قمی»، حدیث پژوهی، شماره نهم، صص١١٣- ١٥٢.

سرخه‌ای، احسان، «کتاب حلبی؛ منبعی مکتوب در تألیف الکافی»، علوم حدیث، سال چهاردهم، شماره اول(ویژه کنگره بین‌المللی بزرگداشت ثقةالاسلام کلینی)، صص ٣٤-٥٨.

ــــــــــــــ، «کتب مسائل در نگارش‌های حدیثی با تأکید بر مسائل علی بن جعفر»، علوم حدیث، سال دهم، شماره سوم و چهارم، ١٣٨٤ش.

سزگین، فؤاد، تاریخ نگارش‌های عربی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ١٣٨٠ش.

ــــــــــــــ، محاضرات فی تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة، چاپ اول، منشورات معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة، فرانکفورت، ١٤٠٤ق./ ١٩٨٤م.

شبیری زنجانی، سید محمدجواد، «الکاتب النعمانی و کتابه الغیبة»، علوم الحدیث، شماره اول، سال سوم، ١٤١٩ق.، صص ١٧٥-٢٣٨.

ــــــــــــــ، «منابع نعمانی در غیبت»، در بازسازی متون کهن حدیث شیعه، دارالحدیث، قم، ١٣٩٤، ٣٧٩-٤٣٠.

ــــــــــــــ، «نوادر احمدبن محمدبن عیسی یا کتاب حسینبن سعید»، آینه پژوهش، شماره ٤٦، ١٣٧٦، صص ٢٣-٢٦.

ــــــــــــــ، توضیح الاسناد المشکلة فی الکتب الاربعة، دارالحدیث للطباعة وَالنشر، قم، ١٤٢٩ق.

صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ١٤١٣ق.

شولر، گریکور، شفاهی و مکتوب، ترجمهٔ نصرت نیل‌ساز، چاپ اول، انتشارات حکمت، تهران، ١٣٩٣ش.

شهیدثانی، زین‌الدین، الرعایة فی علم الدرایة، تحقیق محمد علی البقال، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، ١٤١٣ق.

طباطبایی بروجردی، سیدحسین، ترتیب الاسانید الکافی، تنظیم میرزا حسن نوری همدانی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ١٤١٤ق.

طوسی، محمدبن الحسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تحقیق حسن الموسوی خرسان، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ١٤٠٧ق.

ــــــــــــــ، تهذیب الاحکام، تحقیق حسن الموسوی خرسان، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ١٤٠٧ق.

ــــــــــــــ، فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنفین وأصحاب الاصول، تحقیق عبدالعزیز

طباطبایی، کتابخانه محقق طباطبایی، قم، ۱٤۲۰ق.

عمادی حائری، سیدمحمد، «درنگی در منابع مکتوب الایضاح»، در بازسازی متون کهن حدیث شیعه، دارالحدیث، قم، ۱۳۹٤، صص ٤۳۱-٤٤٦.

فتاحی زاده، فتحیه، «اعتبارسنجی روایات تفسیری علی بن ابراهیم در تفسیر قمی»، مطالعات اسـلامی، شـماره ۸۰، ۱۳۸۷، صص ۱٤۳- ۱۵۹.

کشی، محمدبن عمر، رجال الکشی، انتشارات دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳٤۸ش.

کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تصـحیح علـی اکبـر غفـاری و محمـد آخونـدی، دارالکتـب الاسـلامیة، تهـران، ۱٤۰۷ق.

مددی، سـیداحمد، گفـتوگو، در عمـادی حـائری، بازسـازی متـون کهـن حـدیث شـیعه، روش، تحلیـل، نمونـه، دارالحدیث، قم، ۱۳۹٤ش.

مدرسی طباطبایی، سید محمدحسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخست هجری، ترجمهٔ رسول جعفریان و سید علیقلی قرائی، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، قم، ۱۳۸۳ش.

مفید بجنوردی، امید، «چگونگی ارتباط کلینی با کتاب محمد بن مسلم در پرتـو دادههـای کتابشـناختی»، حـدیث حوزه، شمارهٔ۱۸، ۱۳۹۸، صص ٦۱-۹۸.

معرفت، محمد؛ محمد غفوری نژاد، «تحلیل مصدرشناختی احادیث الغیبة شیخ طوسی»، شیعه پژوهـی در اسـلام، سال هفدهم، شمارهٔ۵۷، ۱۳۹٦، صص ۵-۲۸.

نجاشی، احمدبن علی، رجال النجاشی، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، قم، ۱۳٦۵ش.

نیلساز، نصرت و ابوالفضل رجاییفرد، «کارکرد فهرستهای شـیخ طوسـی و نجاشـی در تکمیـل روش سـزگین در بازیابی منابع آثار کهن روایی؛ مطالعه موردی کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی»، مطالعات فهم حدیث، شـماره اول، سال چهارم، ۱۳۹٦، صص۱۳۱- ۱۵۸.

نیلساز، نصرت، خاورشناسان و ابن عباس، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۳ش.

ــــــــــــــــ، «تبیین و ارزیابی نظریهٔ سزگین درباره شناسایی و بازسازی منابع جوامع روایی»، پژوهشهای قـرآن و حدیث، شماره دوم، سال چهل و هفتم، ۱۳۹۳ش، صص ۳۲۱- ۳٤٦.

نیلساز، نصرت؛ نهله غروی نائینی؛ مهدیه عقیقی، «اصول تفسیری مستفاد از روایـات اهلبیـت علـیهم السـلام در اصول کافی»، کتاب قیم، ش ۲۱، ۱۳۹۸، صص ۱۹۵- ۲۱۵.

Abbott, N, *Studies in Arabic Literary Papyri*: *Historical Texts*, Chicago, university of Chicago, 1957

Schacht, J, *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*, oxford, clarendon press, 1950

Tasseron, Ella Landau, "On On the Reconstruction of Lost Sources", *Al-Qnatara*, V 25 (1), 2004